

1-1- دیدگاه اخلاق مبتنی بر عمل:

این دیدگاه معتقد به این اصل است که اگر فاعل در انجام فعلش دارای انگیزه‌ی شایسته بوده و عملش صرفاً به خاطر ارزشی بودن و فضیلت‌مند بودن آن صورت گرفته باشد، آن عمل اخلاقی است و اگر نه غیر اخلاقی و ناصواب است. این دیدگاه که به رویکرد شناختی یا وظیفه‌گرایی نیز موسوم است، معتقد است، ارزش یک عمل به نتیجه و آثار آن بستگی ندارد، بلکه به این که براساس اصول اخلاقی باشد، بستگی دارد. اصول هدایت‌کننده عمل همان ماهیت اخلاق است. فضائل ناشی از اصول هستند. (هاشمی، 1390) برای تبیین بیشتر ابتدا لازم است به سه نمونه، از دیدگاه‌های مبتنی بر عمل اشاره کنیم:

الف - یک دیدگاه معتقد است که قواعد اخلاقی باعث می‌شود که افراد، کارهایی را انجام دهند یا از کارهایی صرف نظر کنند و این افعال می‌توانند توسط کسانی که فاقد فضائل گوناگونی هستند، انجام بگیرند. چنانکه می‌توانند توسط کسانی که واجد آن فضائل هستند، انجام گیرند. این دیدگاه موسوم به دیدگاه مبتنی بر عمل به قواعد می‌باشد. (پات من، 1998)

البته یک اشکال عمده این دیدگاه، این است که ارتباط علیّ بین فضیلت و عمل را نادیده می‌گیرد و اشکال دیگر این که این نظریه فقط قواعدی را که باعث انجام عمل می‌شوند، معین می‌کند؛ درحالی که قواعد اخلاقی دیگری نیز وجود دارند که فضائل را ایجاد می‌کنند.

ب - نمونه دیگر این که گفته می‌شود، فضائل اخلاقی، امیالی برای پیروی از قواعد اخلاقی، یعنی برای انجام یا عدم انجام افعال معینی هستند. طبق نظریه مطابقت درباب فضائل، هر فضیلتی مطابق با یک اصل مناسب اخلاقی است. این دیدگاه مشهور به نظریه ساختارگرا¹ می‌باشد. (صادقی، 1380)

برای ردّ این نظریه می‌توان به گفته ارسطو استناد کرد که می‌گوید:

ابتدا باید میل به فضیلت وجود داشته باشد، یعنی دوست داشتن آنچه خوب و شایسته است و تنفر از آنچه که بد و ناشایسته است. بنابراین اگر دو شخص را در نظر بگیریم که اعمال آنها به نحو برابر صحیح است، اما در نگرشهای آنان تفاوتی وجود دارد. یکی از موفقیت‌های دیگران خوشحال و از شکست‌های آنان ناراحت می‌شود، ولی دیگری از شکست‌های آنان خوشحال و از موفقیت آنان ناراحت می‌شود، تا زمانی که افعال آنان در خارج، یکسان است، قائلان به اخلاق مبتنی بر عمل، هر دو را به نحو یکسان اخلاقی می‌دانند؛ در حالی که از نظر قائلان به اخلاق مبتنی بر فضیلت، شخص دوم فاقد گرایش

¹ reductionist Thesis

اخلاقی الزامی است، از این رو تکلیف اخلاقی دارد که گرایش خود را عوض کند. بنابراین دیدگاه مبتنی بر عمل، این ویژگی اخلاق را نادیده می‌گیرد و اخلاق را به اعمال، تحویل می‌برد و کاهش می‌دهد (پات من، 1998).

ج - دسته سوم، بدین صورت است که گفته می‌شود، فضائل اخلاقی هیچ ارزش ذاتی ندارند، بلکه ارزش ابزاری² دارند. فضائل فقط از این جهت که انگیزه اعمال صحیح می‌شوند، اهمیت دارند، این دیدگاه موسوم به نظریه ابزاری ارزش می‌باشد.

البته این دیدگاه ابزاری درباره فضائل، توسط قائلان به اخلاق مبتنی بر فضیلت، انکار می‌شود. فضائل دارای ارزش ذاتی هستند و صرف ابزار نیستند، بلکه بخشی از حیات نیکو می‌باشند. بنابراین خیر صرفاً به خاطر امور دیگر خیر نیست، بلکه خودش ارزش حیاتی دارد.

در ادامه سه دیدگاه اصلی موجود در حوزه اخلاق مبتنی بر عمل به طور خلاصه در قالب جدول ارائه شده است:

جدول شماره ۱: سه دیدگاه اصلی موجود در حوزه اخلاق مبتنی بر عمل

عنوان دیدگاه	رویکرد دیدگاه به فضایل اخلاقی	نقطه/نقاط ضعف
دیدگاه مبتنی بر عمل به قواعد	عدم ارتباط قواعد اخلاقی با فضائل گوناگون	<ul style="list-style-type: none"> • نادیده گرفتن ارتباط علیّ بین فضیلت و عمل • فقط قواعدی را که باعث انجام عمل می‌شوند را تعیین می‌کند
نظریه ساختارگرا	فضائل اخلاقی، امیالی برای پیروی از قواعد اخلاقی می‌باشند	<ul style="list-style-type: none"> • تحویل اخلاق به اعمال
نظریه ابزاری	فضائل اخلاقی هیچ ارزش ذاتی ندارند و دارای ارزش ابزاری می‌باشند	<ul style="list-style-type: none"> • نادیده گرفتن ارزش ذاتی فضائل

منبع: پات من، (1998)

² instrumental value